



حقوق بشر

بعد جنگ ها و تحقیر بشر
مر جهانرا پیش آمد این بصر
در شناخت حق هر کشور بذات
عدل و آزادی بیابد بس ثبات
زندگی عاری ز فقر و ماجرا
آرزو کردند همه با یک صدا
با نفاذ حکم قانون در میان
حق انسان ثبت گردید بر عیان
با وفا و مهر انسان در بشر
محو میگردد دزد دنیا جنس شر
زندگی عاری ز تبعیض و نفاق
میزداید وهم و دوری و شقاق
حق زیست انسانی و رفا
هم برای مرد و زن بود مدعا
تا که آزاد از همه قید و ستم
زیست دارند با همی و محتشم
از حق انسان چه زیبا گفته اند
زین طریق طرحی چه رعنا بسته اند

لیک نمیدانم که این انسان کجاست
مدعای چند بهر کی رواست
ما ندیدیم جز فریب و غدر را
سوخت هست و بود ما در ماجرا
دو ابر قدرت ز تفتین و ربا
بر افروختند آتش کین و دغا
آن یکی در پوشش دین و جهاد
کرد خلقی را اسیر اندر عناد
مردمی و دوستی را آندگر
کرد عنوان و بیفگند بس شرر
ملک افغان ساحهء جنگ ساختند
خلق افغان را به هم انداختند
هیزم جنگ بود تبعیض و نفاق
هر دو بودند اندرین ره در وفاق
سالها با خون افغان است روان
آسیاب جنگ این زور آوران
محو گردید بیش زملیون مرد و زن
کشتگان حيله و مکر و فتن
آنکه خود داعی این حق خوانده بود
فعل او با نقض آن الوده بود
چونکه باشند مالک زور سلاح
قول شان قانون گفت شان صلاح
آنچه پیدا است در دور کنون
آنکه زورش بیش حقش بس فزون
وه چه حیران است بری حق بشر
است بهر ما به تعبیر دیگر
یا که آن انسان نیست در ملک ما
یا همه حرف ها بود باد هوا